

پشت پرده قتل عام خانوادگی کرمانشاه

داماد خشن ۳ عضو خانواده زنش را به قتل رساند

داماد کرمانشاهی در اقدامی جنون آمیز سه عضو خانواده خاله خود که همسر، مادر و خواهر همسر سابق او بودند، به قتل رساند.

پس از وقوع این قتل عام خانوادگی در شهرک پردیس کرمانشاه و اعلام موضوع به پلیس، تیم‌هایی از ماموران به سرعت در محل حاضر شدند.

در تحقیقات ابتدایی پلیس مشخص شد قاتل داماد سابق و خواهرزاده زن خانواده بوده که حدود پنج سال قبل از همسرش که دختر این خانواده بوده، جدا شده است.

تحقیقات پلیس نشان می‌داد قاتل به عنوان میهمان وارد خانه شده و به بهانه‌ای شب‌راهم برای خواب در خانه مقتولان مانده است.

داماد سابق خانواده نیمه‌های شب در اقدامی جنون آمیز به وسیله اسلحه کلتی که همراه داشته است به سمت همسر سابق ۳۱ ساله، مادر همسر ۵۵ ساله و خواهر همسر ۳۵ ساله خود شلیک کرده و هر سه نفر را به قتل رسانده است.

دیگر موضوع تاسف‌بار این حادثه دردناک، حضور پسر بچه‌ای ۶ ساله که فرزند مشترک قاتل و مقتول بوده زمان وقوع جنایت در منزل است که پس از شلیک‌های صورت گرفته و فرار پدرش با اجساد غرق در خون مادر، مادر بزرگ و خاله‌اش روبه‌رو شده است. با تکمیل تحقیقات، پلیس به سرعت اقدامات اطلاعاتی خود را برای شناسایی قاتل فراری آغاز کرده و ماموران موفق به شناسایی مخفیگاه او در یکی از محلات حاشیه‌ای کرمانشاه شدند.

قاتل در کمتر از ۴ ساعت دستگیر شد

با شناسایی مخفیگاه قاتل، محل به محاصره کامل ماموران آگاهی و شهرستان کرمانشاه درآمد و حوالی ساعت ۸ صبح پنجشنبه و در کمتر از ۴ ساعت از وقوع جنایت هولناک، پلیس موفق به دستگیری این فرد شد.

متهم دستگیر شده در همان ابتدا به قتل همسر سابق، مادر و خواهر همسرش اعتراف و در بازجویی‌های اولیه انگیزه‌اش را از این اقدام کینه و نفرتی عنوان کرد که از آنها به دل داشته است. تحقیقات تکمیلی پلیس برای مشخص شدن علت و انگیزه این اتفاق دردناک همچنان ادامه دارد.

سرقت اینترنتی در آبدانان

عامل برداشت غیرمجاز اینترنتی در آبدانان دستگیر شد.

در پی وصول شکواییه یکی از شهروندان آبدانانی به پلیس فتا مبنی بر برداشت غیرمجاز از حساب بانکی، موضوع برای شناسایی و دستگیری عاملان جرم در دستور کار کارشناسان پلیس فتای آبدانان قرار گرفت.

با بررسی‌های فنی و شبیه‌سازی و شگردهای خاص پلیسی متهم به هويت معلوم در یکی از استان‌های همجوار شناسایی و با هماهنگی دادستان در یک عملیات موفق و غافلگیرانه دستگیر و به پلیس فتای شهرستان آبدانان انتقال داده شد. در بازجویی‌های اولیه متهم منکر هرگونه جرمی شد که پس از مواجهه شدن با مستندات، مدارک و ادله دیجیتال جمع‌آوری شده از سوی کارشناسان ضمن اقرار به جرم خود عنوان داشت که پس از جلب اعتماد شاکي و به دست آوردن اطلاعات حساب بانکی به صورت غیرمجاز و اینترنتی طی چندین مرحله اقدام به برداشت پول از حساب اومی کند. پلیس به عموم شهروندان توصیه کرد: «از قرار دادن کارت بانکی و اطلاعات آن در اختیار افراد غریبه خودداری کرده و به صورت دوره‌ای نسبت به تغییر رمز کارت‌های بانکی خود اقدام کنند.»

پدر کشی با چکش!

پسر رفسنجانی پدرش را در خواب با چکش کشت. قاتل در بازجویی‌ها انگیزه‌اش را اختلاف با پدرش عنوان کرد.

بیست و هشتم دی ماه سال جاری در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره قتل در روستای روان مهران، بلافاصله ماموران پلیس آگاهی در منزلی که این قتل در آن رخ داده بود، حضور یافتند.

با حضور ماموران در این خانه مشخص شد پدر این خانواده در اثر وارد آمدن ضربه به سرش شدیداً مصدوم و به بیمارستان اعزام شده و در نهایت جان باخته است. در این رابطه با بررسی‌های اولیه ماموران پلیس آگاهی خیلی زود مشخص شد آخرین فردی که پس از وقوع قتل در خانه حضور داشته، یکی از فرزندان مقتول بوده است. در ادامه با تکمیل تحقیقات پلیسی و بنا به شواهد و مدارک موجود پسر ۱۸ ساله مقتول به عنوان اولین مظنون دستگیر و به پلیس آگاهی انتقال داده شد که این فرد پس از مواجهه با دلایل و مستندات موجود لب به سخن گشود و به قتل پدر خود اعتراف کرد. در بازجویی‌های بعدی مشخص شد این پسر جوان که از قبل سر برخی موضوعات با پدر خود اختلافاتی داشته، زمانی که پدر او خواب بوده با وارد کردن چند ضربه چکش به سر، او را به قتل رسانده است.



گفت‌وگویی «شهرود» با برادر و پدر قاتل و مقتول پرونده محیط زیستی

کابوس بیستون

دامداری زندگی‌اش را می‌چرخاند. عشاير بود و همسرش همراهش. اما از وقتی هاتف بد خبر، خبر مرگ یوسف را رساند، دام‌هایش را در کوه‌ها کرده و با پای پیاده به شهر آمدند. پسر بزرگش را در منطقه بیستون کشته بودند. پسر تازه دامادش را که انتظار نوزادش را می‌کشید، داغ بزرگی بود. علی موهایش یک‌شبه سفید شد. مادر دیگر کمرش راست نشد. توان ایستادن نداشت. مراسم خاکسپاری و تشییع گذشت که متوجه شدند یوسف با تیر محیط‌بان منطقه بیستون رفته است.

می‌گوید: «پسرم برای کندن گیاهان دارویی به کوه رفته بود. با پراید آژانس بود که قصد برگشتن داشتند. متوجه شدند این مردان که دستور ایست می‌دهند محیط‌بان هستند. تصور می‌کردند که راهزن هستند. لباس شخصی بودند. وقتی گلوله به سر یوسف برخورد می‌کند، توقف می‌کنند. آنجا متوجه می‌شوند که این مردان محیط‌بان هستند. چندین تیر به ماشین برخورد کرده بود. یک تیر به سر یوسف زده بودند و دو تیر هم به سینه‌اش.» در آن مراد داغ، تلخی داغ مرگ یوسف بر دل پدر و مادر نشست. یوسف را به بیمارستان می‌برند، اما تازه داماد ۲۳ ساله‌اش جان می‌دهد. «هشت روزی بود که به دنبال عامل تیراندازی بودیم تا اینکه متوجه شدیم یک محیط‌بان تیراندازی کرده است. دنیا روی سرمان خراب شده بود. هم پسر را از دست دادیم، هم همسر را و هم منبع درآمد را.»

داغ سنگین

دام‌ها در کوه یا خوراک گرگ‌ها شده بودند یا زده‌ها. «وقتی بعد چند روز دوباره به کوه زدیم دیدیم که از دام‌ها خبری نیست. عمری دامداری می‌کردیم، اما هیچ نماند. همسر هم تنها ۶ ماه دوام آورد. او با چه سختی سه پسرمان را در چادرهای عشاير بزرگ کرده بود.»

داغ سنگینی بود. ۶ ماه و یک روز از مرگ یوسف می‌گذشت. روز مادر بود. انتظار تبریک روز مادر هر ساله یوسف را می‌کشید، اما نه از تبریک خبری بود، نه از یوسف. مادر داغ‌دیده همان روز بود که دیگر نتوانست این فراق را تاب بیاورد، قلبش گرفت، سکنه کرد و چشمانش را به زندگی بست. «زندگی‌ام نابود شد. دو پسر دیگر هم با مرگ مادرشان وضعیت مناسبی ندارند. به سختی این روزها را تحمل می‌کنند. زندگی برایشان سخت شده است. داغ مادر و برادرشان سنگین است. افسردگی گرفتند. خودشان را در خانه حبس کرده‌اند.»

سر نوشت غم‌انگیز

عروس خانواده فلاحی داروندی هم سر نوشت سیاهی نصیبش شد. زن جوان پسرش را باید بی‌پدر بزرگ کند. گهگاهی به خانه پدری‌اش می‌رود. اما هزینه‌های زندگی را دو خانواده تقبل می‌کنند. پدرشوهر و پدرش سعی می‌کنند جای خالی یوسف را پر کنند. یادگار یوسف پدرش را می‌خواهد. پدری را که هرگز ندید، اما عکسش را که می‌بیند دلگرم می‌شود. هنوز کلمات را نمی‌تواند ادا کند، اما با عکس قاب گرفته پدر حرف می‌زند. «بابا به خانه برگرد.» علی فلاحی داروندی تصمیم به قصاص دارد. پادرمیانی‌ها و جلسات صلح و سازش

هم هنوز چیزی را تغییر نداده است. او دلخور است. از بعضی صحبت‌ها، از بعضی واکنش‌ها و باز خوردها. «چرا یک طرفه به عنوان می‌روند. نمک بر زخم ما می‌ریزند. فیلم‌ها و صحبت‌هایی دیده و شنیده‌ام که تصمیم را بر قصاص محکم‌تر می‌کند. کاش حرف و سخنی نگویند که دل‌لبریز شود.»

از وقتی حکم قصاص آمد، دنیا بر سر خانواده برومند آوار شد. از همان روز چشم دوخته‌اند به بخشش خانواده یوسف. به پدری که از دست دادن پسر و همسرش ضربه بزرگی بر سینه‌اش بود. نمی‌دانند پادرمیانی‌ها با بخشش گره خواهد خورد یا نه. انتظار باید بکشند تا برادرشان را پای چوبه‌دار ببینند.

حبیب‌الله نجفی ۴۶ سال دارد. برادری که کارمند یکی از شرکت‌های بیمه سلامت است. راه‌کاری‌اش با برومند متفاوت بود. برومند حفاظت از محیط زیست را انتخاب کرده بود، حتی پیش از اینکه وارد سازمان

از مرداد ۹۹ زندگی آوار شد روی سر دو خانواده کرمانشاهی. خانواده فلاحی داروندی پسر جوانش را از دست داد و پسر خانواده برومند افتاد بیست میله‌های زندان. هر دو تازه از دواج کرده بودند، یکی در ۲۳ سالگی و دیگری در ۳۸ سالگی. یوسف برومند انتظار نوزادش را می‌کشید که گلوله سربی جاننش را گرفت. برومند نجفی هم تنها یک ماهی بود که داماد شده بود



شرایط سخت

خانواده نجفی نیز از هم پاشیده است. نوعروس یک ماهه به خانه پدری بازگشته. حقوق برومند بعد از این حادثه قطع شده و مادر بیمار از فراق پرستارش سکنه خفیفی کرده است. مسئولان، بزرگان و ریش‌سفیدان در حال پادرمیانی هستند. «شرایط دشواری است. خانواده فلاحی داروندی داغدار شده و پسر بزرگش را از دست داده است. مادر خانواده هم نتوانسته این داغ سنگین را تحمل کند. هیچ چیز جوابگوی غم و اندوه آنها نیست. دو بار با پدر یوسف در این مدت برخورد کرده‌ام، اما تاکنون حرفی به من و خانواده‌ام نزنده است که ما را آندوه‌گیگین کند. قصاص حق این خانواده است، اما می‌خواهیم برادرمان را به ما ببخشد.»

محیط‌بان در مسلخ دفاع از خود و طبیعت

معاون اول رئیس‌جمهوری در مراسم روز ملی هوای پاک با اشاره به اهمیت فرابخشی مسأله محیط‌زیست با تأکید بر لزوم اصلاح قانون دفاع محیط‌بانان تصریح کرد که باید برای محافظت از طبیعت و محیط‌بانان این قانون دقیق‌تر شود. نمی‌شود متخلفی‌ها را تخلف کشته شود و محیط‌بانانی که از خود و طبیعت دفاع کرده، قربانی شود.

محمد مخبر ضمن تأکید بر نقش مردم گفت: «احاد مردم باید به حد توان از محیط‌زیست مراقبت کنند. این مشکل به تنهایی و با تلاش دولت و مجلس و دستگاه‌های حاکمیتی حل نمی‌شود و پایه اصلی خود مردم هستند.» او ادامه داد: «دو نقش اصلی مردم رعایت و نظارت است. نظارت باید هم بر حکومت و دستگاه‌های نظارتی باشد و هم بر خود مردم.»

او با اشاره به ارزش بالای کار محیط‌بانان افزود: «در دوران جنگ منطقه حفاظت مشخص بود، اما در زمان فعلی میدان جنگ با موانع حیات محیط‌زیست کل کشور است. بنابراین نمی‌شود کار محیط‌بانان را قیمت‌گذاری کرد.» مخبر با تأکید بر لزوم اصلاح قانون دفاع محیط‌بانان گفت: «قانون دفاع از محیط‌بانان کافی نیست و باید برای محافظت از طبیعت و محیط‌بانان این قانون دقیق‌تر شود. نمی‌شود متخلفی‌ها را تخلف کشته و محیط‌بانانی که از خود و طبیعت دفاع کرده، قربانی شود.» وی در پایان ضمن اشاره به سختگیری مثبت سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت: «در بحث محیط‌زیست هیچ دستگاهی نباید بی‌توجهی کند. سازمان با سختگیری خود باعث حفاظت از جان انسان و محیط‌زیست می‌شود. جان انسان‌ها و محیط‌زیست قابل معامله نیست.»